



مهدی سلطانی رنانی

# بیدار مصلح

علامه سید عبدالحسین  
شرف الدین عاملی

## اشاره

نوشتاری که پیش روی شما است، شرح اجمالی زندگانی پر تب و تاب علمی و مبارزاتی عالم و متفکر جهان اسلام و مصلح عظیم تشیع در قرن چهاردهم هجری، حضرت آیت الله علامه «سید عبدالحسین شرف الدین موسوی عاملی» رحمته الله علیه است. در این سطور سعی شده است بخشی از آرمانهای مقدس و ابعاد گسترده شخصیت علمی، اعتقادی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی آن بزرگ مرد ارائه گردد.

## نسب و ولادت

سید عبدالحسین، فرزند سید یوسف شرف الدین موسوی عاملی است. مادرش بانوی بزرگوار، زهرا صدر دختر مرحوم آیت الله سید هادی صدر، فرزند سید محمدعلی و خواهر مرجع تقلید نامی، سید حسن صدر بوده است. نسب پاک

و درخشان او با ۳۱ واسطه به ابراهیم المرتضی بن موسی بن جعفر علیه السلام می پیوندد.<sup>۱</sup> علامه شرف الدین در سال ۱۲۹۰ ه. ق در شهر مذهبی کاظمین متولد شد.<sup>۲</sup> وی در دامان پرمهر مادری پاکدامن و مهربان و تحت نظارت پدری عالم و روحانی، پرورش یافت. یک ساله بود که پدرش سید یوسف تصمیم گرفت برای گذراندن مراحل عالی تحصیل، به نجف اشرف مهاجرت کند؛ بنابراین، تنها فرزندش عبد الحسین را برداشته، با اهل و عیالش همراه کاروانی راهی کوی یار و کعبه آمال دلهای حق طلب، نجف اشرف شدند.

در آن شهر ولایت، عبد الحسین، رشد و نمو کرد.<sup>۳</sup> در شش سالگی به مکتب‌خانه رفت و در هفت سالگی می توانست قرآن را با صوتی دلنشین و لحنی زیبا قرائت کند و این امر موجب امیدواری پدر و مادرش نسبت به آینده او شد.<sup>۴</sup>

### تحصیلات

سید عبد الحسین پس از بازگشت با پدرش از نجف به جبل عامل، دوران تحصیلات مقدماتی و ابتدایی را در آنجا آغاز نمود و در محضر والد دانشمند خود، تعلیم علوم مقدماتی را به پایان برد و سطوح را نزد شیخ باقر حیدر، سید محمّد

۱. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۱۹۷ - ۱۹۹؛ حیاة الامام شرف الدین، شیخ احمد قیسی، بیروت، چاپ اول، ص ۳۱؛ بغیة الراغبین فی آل شرف الدین، علامه شرف الدین، نسخه خطی، ص ۲۰.

۲. الامام السید عبدالحسین شرف الدین قائد فکر و علم و نضال، شیخ عبد الحمید الحرّ، بیروت، ۱۹۷۲ م، ص ۱۳؛ المراجعات، علامه شرف الدین، مقدمه شیخ مرتضی آل یاسین، چاپهای مختلف، مقدمه، ص ۵.

۳. شرف الدین عاملی، چاووش وحدت، مصطفی قلی زاده، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول، بهار ۱۳۷۲ ه. ش، ص ۲۸ - ۳۰.

۴. نقباء البشر، شیخ آقا بزرگ تهرانی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ دوم، ج ۳، ص ۱۰۸۱.

صادق اصفهانی و شیخ علی بن شیخ باقر بن صاحب الجواهر آموخت.<sup>۱</sup> هفده ساله بود که با دختر عموی خود ازدواج کرد و برای تکمیل تحصیلات خویش به عراق روانه گردید و پس از طی تحصیلات سطوح عالی، در حوزه درسی فقها و مراجع عظام و عالیقدر در شهرهای مختلف به طلب علم نشست، که از جمله ایشان می‌توان به شیخ حسن کربلایی (متوفی ۱۳۲۲ ه.ق)، شیخ محمد طه نجف (متوفی ۱۳۲۲ ه.ق)، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (متوفی ۱۳۲۹ ه.ق) سید محمد کاظم یزدی (متوفی ۱۳۳۷ ه.ق) سید اسماعیل صدر (متوفی ۱۳۳۸ ه.ق) شیخ فتح الله شریعت اصفهانی (متوفی ۱۳۳۹ ه.ق) و سید حسن صدر (متوفی ۱۳۵۴ ه.ق) اشاره نمود.<sup>۲</sup>

۳۲ ساله بود که به مقام عالی اجتهاد نایل آمد و با دریافت چندین اجازه اجتهاد، مجدداً روانه جبل عامل گشت و با استقبال پرشور علما و بزرگان آن سامان مواجه شد. وی به اتفاق پدر و برادر دانشمندش، حوزه علمیه‌ای در آنجا تشکیل داد؛ ولی مدتی نگذشت که پدر و اندکی بعد برادر خود را از دست داد.

زمان زیادی نگذشت که مردم جبل عامل رهبر واقعی و راهنمای حقیقی خویش را شناختند و با معظم له در اقدامات اصلاحی اش اعلام همکاری نمودند.<sup>۳</sup>

### ویژگیهای اخلاقی

۱. الامام السيد عبدالحسين شرف الدين قائد فكر و علم و نضال، ص ۷۶-۷۷؛ حياة الامام شرف الدين، ص ۳۰-۳۱.

۲. مجله نور علم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، سال ۱۳۶۷ ه.ش، شماره ۳۲، ص ۱۲۰-۱۲۲.

۳. الامام السيد عبد الحسين شرف الدين، ص ۷۸-۸۲؛ شرف الدين عاملی، چاووش وحدت، ص ۴۱-۴۷.

زندگی او براساس قرآن کریم، روایات اخلاقی و سیره عملی ائمه طاهرين عليهم السلام و علمای صالح سلف طرح ریزی شده بود. در این مقال، اشاره‌ای اجمالی به ویژگیهای اخلاقی و صفات حمیده و پسندیده معظم له خواهیم داشت:

### اخلاص

اخلاص علامه شرف الدین زبازد خاص و عام بود، تا آنجا که نواده ایشان، استاد سید حسین شرف الدین در این باره می‌نویسد:

«مدرسه‌ای بود در صور که مخالفان سیاسی پدر بزرگ آن را اداره می‌کردند. هنگامی که بچه بودم، یک روز عصر به نزدیک آن مدرسه رفتم و چند سنگ پرتاب کردم که موجب شد زیانهای اندک به مدرسه وارد آید و این بدان علت بود که من تحت تأثیر درگیریهای سیاسی قرار گرفته بودم که میان پدر بزرگ و مخالفانش در رابطه با مدرسه پیش آمده بود. همان شب پس از نماز عشا به خانه ما آمد. من با خوشحالی پیش دویدم. او مرا از آن کار شدیداً باز خواست کرد و گفت: مشکلات سیاسی من در ارتباط با دین است. من با مخالفان سیاسی خود برای خدا درگیر می‌شوم؛ اما آنان برای منافع شخصی خود مشکل‌آفرینی می‌کنند. من مدرسه جعفریه را تأسیس کردم تا فرزندان خود و مردم را از مدارس تبشیری مسیحی نجات دهم، به‌ویژه فرزندان بینوایان و ناتوانان را. و به همین دلیل مدرسه را مجانی قرار دادم. مخالفان من نیز همین کار را کرده‌اند؛ اگر چه برای رقابت من، یعنی آنان نیز مدرسه‌ای درست کرده‌اند برای طبقات پایین شیعه. حالا اگر من بتوانم آنان را به راه صواب بکشانم و برنامه مدرسه جعفریه را در آنجا هم پیاده کنم، چه بهتر! و اگر

این کار را نتوانم، چون آنان می‌خواهند با من رقابت کنند، ناچارند راه مرا در پیش گیرند و مدرسه خود را مانند جعفریه اداره کنند و در این صورت کاری که مورد رضای الهی است، انجام گرفته. چه به دست من انجام یابد یا به دست مخالفان من.<sup>۱</sup>

#### مهمان دوستی

هرگاه میهمانی بر او وارد می‌شد، خصوصاً اگر از دانشمندان بود، بسیار به آنان احترام می‌گذاشت و گاهی که آب لوله‌کشی در قسمت بیرونی منزل [محل سکونت مهمانان] قطع می‌شد، او شخصاً آفتابه را آب می‌کرد و در دسترس مهمان قرار می‌داد.<sup>۲</sup>

#### طبع بلند

در مورد بلندطبعی علامه شرف‌الدین، از فرزند وی، حجة الاسلام حاج سید عبد الله شرف‌الدین داستانی نقل شده که در کتاب ادیب مشهور محمد علی الحومانی به نام «من یسمع» آمده است:

«ملک فیصل توسط رییس دربارش احسان البکر الجابری مبلغ ۵ هزار لیره مصری برای سید شرف‌الدین فرستاد؛ اما ایشان ضمن رد آن فرمود: من برای پول جهاد نکردم. فیصل هم گفته بود: من تا به حال آدمی به این بلندطبعی ندیده‌ام.»<sup>۳</sup>

#### اهتمام به امور طلاب

در ابتدای ورود علامه به لبنان که مصادف با جنگ جهانی اول بود، حکومت

۱. شرف‌الدین، علامه محمد رضا حکیمی، انتشارات دلیل ما، قم، بی‌تا، ص ۲۱۲؛ مجله نور علم، شماره ۳۲، ص ۱۲۹.

۲. شرف‌الدین، ص ۲۲۲.

۳. مجله نور علم، شماره ۳۲، ص ۱۳۱.

عثمانی بخشنامه‌ای صادر کرد که هر کس توانایی حمل اسلحه دارد، باید وارد نظام شود و از این حکم، فقط آن دسته از علمای دینی معاف بودند که نامشان در دفاتر دولتی ثبت بود و این استثنا فقط شامل علمای سنی و مسیحی می‌شد؛ زیرا علما و طلاب شیعی دفتری نداشتند و کسی هم نبود که نام آنان را در جایی به ثبت رسانیده باشد. معظم له در این باره اقدام کرد و کوشید تا اینکه از طرف باب عالی عثمانی در استانبول فرمانی برای معاف بودن علما و طلاب شیعه صادر شد.<sup>۱</sup>

از دیگر خصوصیات اخلاقی آن مجاهد نستوه و فقیه ژرف‌نگر که اسوه اخلاق آن زمان بود، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. احترام به تمام طبقات اجتماعی و سلوک مناسب با آنان؛
۲. دستگیری از افراد بی‌بضاعت و کوشش برای رفع دردها و مشکلاتشان؛
۳. عفو و چشم‌پوشی از کسانی که به وی بدی می‌کردند؛
۴. تشویق نوجوانان به تحصیل و خودسازی و کوشش برای متدین بار آوردن آنان؛
۵. در بزرگداشت اهل علم، اهل قلم و شاعران، زبانزد خاص و عام بود؛
۶. به ایرانیان سخت علاقمند بود؛ چون آنان را پشتیبان واقعی تشیع می‌دانست؛

۷. تواضع فوق العاده‌ای داشت و خود را همیشه اقل خَدَمَةِ الدین الاسلامی و سَدَنَةِ المذهب الامامی معرّفی می‌کرد؛<sup>۲</sup> و از نشانه‌های فروتنی اش این بود که به

۱. شرف الدین، ص ۲۲۲.

۲. از جمله، در پایان تعلیقاتش بر کتاب المراجعات، خود را کم‌ترین خدمتگزاران اسلامی و خدمتکاران

حرفهای عوام الناس نیز دقیقاً گوش می‌داد و احساس خستگی نمی‌کرد؛  
 ۸. در امر به معروف و نهی از منکر جدیت داشت و با متخلفان و  
 اهانت‌کنندگان به مقدّسات عملاً و به سختی برخورد می‌کرد؛  
 ۹. حق‌گو و حق‌طلب بود؛

۱۰. دور اندیش و تیزهوش بود و مردم را به کار خیر ترغیب می‌کرد؛  
 ۱۱. هرگز به هم بحثهای خود فخر نمی‌فروخت.

### علامه در زبان دیگران

عظمت روحی و اخلاقی و موقعیت علمی این فقیه سربلند، آگاه، متفکر  
 پرتلاش زمان و مجاهد همیشه در پیکار به حدّی بود که دوست و دشمن را یارای  
 انکار آن نبوده و نیست. در این مقال، ما به سخنان بزرگان و سروده‌های شعری  
 برخی شاعران در وصف او می‌پردازیم:

آیت الله العظمی بروجردی رحمته الله، ایشان را فخر عالم اسلام دانسته، فرموده‌اند:  
 «قدرت بیان و نثر شیوای مرحوم سید شرف الدین و متانت وقوه استدلال او کم  
 نظیر بود.»<sup>۱</sup>

آیت الله العظمی امام خمینی رحمته الله بعد از شنیدن خبر ارتحال او، ضمن تعطیل  
 کردن درس فرموده بودند: «هشام بن حکم زمان ما از دنیا رفت.»<sup>۲</sup>

مرحوم آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی، علامه شرف الدین را دارای

مذهب تشیع معرفی می‌کند.

۱. مجله پیام انقلاب، شماره ۸۴.

۲. مجله نور علم، شماره ۳۲، ص ۱۲۴.

شرایط مرجعیت مطلق شیعه می دانست و خطاب به او گفت: «حوزه علمیه نجف محتاج شما است. به آنجا بیایید و اموری را که به من مربوط است [امور مرجعیت کلّ جهان تشیع] متصدی شوید.»<sup>۱</sup>

مرحوم آیت الله العظمی سید محسن حکیم، ایشان را منبع رحمت و احسان معرفی می نمود و می فرمود: «سید شرف الدین منبع رحمت و احسان بود و همگان از رحمت و احسان او بهره مند می شدند.»<sup>۲</sup>

علامه امینی رحمته الله می فرمود: «شرف الدین یکی از قلّه های رفیع تشیع است و یکی از درفشهای افرشته اسلام. او در این روزگار نماینده عظمت سادات و بنی هاشم است. شیعه را می سزد که به شرف الدین افتخار کند و به دانش سرشار و شرف تابان و پارسایی عمیق و منطق فصیح و تبلیغات سودمند او.»<sup>۳</sup>

همچنین ایشان، آن دانشمند آگاه را مصلح کبیر لقب داد و فرمود: «مصلح کبیر، آیت الله سید عبد الحسین شرف الدین عاملی... شخصیتی که مورد توجه و ستایش امت اسلامی است، پیوسته جهت اصلاح امت و تبلیغ اسلام، راهگشای مسلمانان بوده و فداکاری شایسته نموده است. خدا او را جزای خیر دهد.»<sup>۴</sup>

محدّث قمی رحمته الله می نویسد: «سید جلیل، عامل فاضل، محدّث کامل، آقا سید عبد الحسین بن شریف یوسف بن جواد بن اسماعیل بن محمّد شرف الدین که

۱. النص و الاجتهاد، علامه شرف الدین، با مقدمه های مختلف، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، چاپهای مختلف، ص ۳۶.

۲. حیاة الامام شرف الدین، ص ۱۲۸.

۳. شهداء الفضیلة، ص ۱۶۶۱.

۴. الغدير، ج ۷، ص ۴، مقدمه.



صاحب مصنّفات فائقه و مؤلفات نافعه جلیله است... و من در بیروت به خدمت این سید شریف رسیدم. ادام الباری برکات وجوده الشریف و اعانة نصره الدین الحنیف.<sup>۱</sup>

مرحوم حضرت آیت الله سید ابو القاسم خوبی درباره علامه شرف الدین - که دو بار او را ملاقات کرده بود<sup>۲</sup> - چنین می فرمود: «در اخلاق نیکوی او، عظمتی بی نظیر دیدم. حضور ذهنی شگفت انگیز در مسائل علمی داشت. ... هیچ کس از جهاد او در راه عزّت و عظمت اسلام بی خبر نیست. شرف الدین به بهترین روش از شریعت اسلام دفاع کرد و مذهب جعفری را یاری نمود و امت اسلامی را به اصلاح و سازندگی فراخواند. خدایش جزای خیر دهد.»<sup>۳</sup>

### سفرهای زیارتی

علامه شرف الدین در حوالی سال ۱۳۲۸ ه. ق به مدینه منوره سفر کرد و مرقد مطهر پیامبر ﷺ و ائمه بقیع علیهم السلام را زیارت نمود. در سال ۱۳۴۰ ه. ق از طریق دریا به زیارت حج بیت الله نائل آمد و اقامه نماز جماعت مسلمانان در مسجد الحرام را عهده دار شد و در سال ۱۳۵۵ ه. ق مشاهد مشرفه عراق را زیارت کرد. سپس به منظور زیارت حضرت رضا علیه السلام رهسپار ایران شد. ۲۵ روز در ایران بود و در قم بر آیت الله سید صدر الدین صدر خاله زاده خود وارد گردید و ۴ روز در این شهر ماند و در مشهد ۵ روز در منزل آیت الله قمی اقامت گزید. معظم له در مسیر حرکت

۱. منتهی الآمال، باب نهم، در ضمن ذکر اولاد امام هفتم.

۲. یک بار در بازگشت از سفر حج در لبنان و یک بار در سفر شرف الدین به نجف.

۳. حیاة الامام شرف الدین، ص ۱۲۸.

خود در همه شهرها مورد استقبال قرار گرفت و مذاکرات علمی میان ایشان و سایر دانشمندان موجب اذعان آنان به مراتب علمی سید شرف الدین گردید.<sup>۱</sup>

### نمونه‌ای از کلمات قصار علامه شرف الدین

آن عالم ربّانی، مواعظ و پندهای بسیاری را در قالب سخنرانیهای گوناگون برای مردم به یادگار گذاشت که به دو نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. ایشان درباره جدایی شیعه و سنی فرموده است: «فَرَّقَتْهُمَا السِّيَاسَةُ فَلْتَجَمَعَهُمَا السِّيَاسَةُ؛ یعنی شیعه و سنی را از روز نخست، سیاست و مطامع سیاسی از هم دور کرد، و اکنون باید سیاست و مصالح سیاسی اسلام و مسلمین آنها را کنار هم گرد آورد.»<sup>۲</sup>

۲. «لَا يَنْتَشِرُ الْهُدَى الْأَمِينُ حَيْثُ انْتَشَرَ الضَّلَالُ؛<sup>۳</sup> یعنی از همان جا که گمراهی انتشار یافته است، باید هدایت انتشار یابد.»

### مبارزات

سید شرف الدین، هم با مستکبران محلی و مخالفان اسلام در منطقه مبارزه کرد و هم با استعمار مقابله نمود. مبارزات او با استعمار فرانسه و در راه استقلال لبنان مشهور است. ترور نافرجام سید به وسیله ابن حلاج به دستور فرانسه نیز در همین راستا بود.

مشکلات سختی که استعمار فرانسه همواره در راه سید شرف الدین ایجاد

۱. المراجعات، ص ۱۸-۱۹؛ حیاة الامام شرف الدین، ص ۱۰۶-۱۰۹؛ الامام السید عبد الحسین شرف الدین، ص ۵۷-۵۹؛ مجله نور علم، شماره ۳۲، ص ۱۲۴.

۲. النص والاجتهاد، مقدمه، ص ۱۴؛ شرف الدین، ص ۱۷۵.

۳. النص والاجتهاد، (مقدمه)، به قلم سید محمّد باقر صدر، چاپ سوم، ص ۳۲.

می‌کرد، او را واداشت به دمشق مهاجرت نماید؛ ولی سپاه فرانسه در راه کمین کرده بودند که از این سفر سید ممانعت به عمل آورند و چون در این راه توفیق پیدا نکردند، خانه او را در سُحُور به آتش کشیدند و منزل دیگرش را در صور پس از غارت، مصادره کردند و کتابخانه او را به آتش کشیدند که تألیفات خطی بسیاری از او در این حریق سوخت.<sup>۱</sup>

سید شرف الدین با تحمّل همه مشکلات خود را به دمشق رساند و در آنجا مبارزان و دانشمندان دور او جمع شدند و وی با خطابه‌های آتشین خود آنان را به وظایف خطیرشان آگاه ساخته، لزوم برخورد جدی با استعمارگران فرانسه را پیشنهاد کرد و به دنبال اقدامات آنان، فرانسه سران نهضت را به فلسطین تبعید نمود.<sup>۲</sup>

سید شرف الدین پس از چند ماه به مصر سفر کرد و شخصیت چند بعدی او باعث شد که بلافاصله بزرگان مصر او را دریافته و به دیدارش بشتابند.

۸. در اواخر سال ۱۳۳۸ ه. ق به یک آبادی در فلسطین به نام عَلْمَا که در نزدیکی جبل عامل قرار داشت، مهاجرت نمود و خانه‌اش محل رفت و آمد مردم شد. دولت فرانسه پس از یک سلسله مذاکرات و وساطت علامه سید محمد صدر، موافقت کرد که سید شرف الدین و دیگر تبعیدیها، به جبل عامل بازگردند. پس از بازگشت تمام تبعیدیها، وی به جبل عامل بازگشت و مردم با مراسمی پر شور و بی سابقه از او

۱. همان؛ شرف الدین، ص ۱۹۱-۱۹۲.

۲. حیاة الامام شرف الدین، ص ۱۱۱-۱۱۲.

استقبال نمودند.<sup>۱</sup>

معظم له در مقابل جنبشهای آزادی خواهی که در جهان غرب و اسلام اتفاق می افتاد، موضع مثبتی اتخاذ می کرد و در این راستا جنبش مصر و ملی کردن کانال سوئز و جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران را تأیید و بارهبران جنبشهای آزادی خواه تماس داشت و از آنان حمایت می نمود.

یکی دیگر از مبارزات سید شرف الدین، مبارزه با فتووالیسم حاکم بر لبنان در آن روزگار بود. وی در برابر زمین داران مقاومت و آنان را محکوم می نمود. در ادامه برخی از مبارزات این عالم الهی را به صورت مبسوط تر بیان می کنیم.

#### الف. مبارزه با فتووالیسم

علامه شرف الدین، یکی از مرزبانان حماسه آفرین میدان عدالت و سنگر مبارزه با ظلم بود. گویی روح عدالت پرور و ظلم ستیز جدش، امام علی علیه السلام در او تجلی یافته بود. وقتی از نجف اشرف به جبل عامل بازگشت و زعامت دینی خود را آغاز کرد، با اولین نمودهای ریشه دار ظلم در جبل عامل، یعنی نظام بهره کشی «فتووالیسم» به مبارزه برخاست. در برابر مالکان زالو صفت و زمین داران استثمارگر که خون دهقانان مسلمان و محروم را به شیشه می کردند و در مقابل مزد ناچیزی، کارهای طاقت فرسایی از آنان می کشیدند و روز به روز بر بدبختی و فقر آن بیچارگان دامن می زدند و خود در بهترین شهرها و روستاها، با برخورداری از امکانات رفاهی فراوان، به عیش و نوش پرداخته و با خوش گذرانی روزگار

می‌گذراندند، مردانه قد علم کرد و سالها با این نظام درگیر شد.<sup>۱</sup>

علامه شیخ مرتضی آل یاسین نجفی که از عالمان آگاه شیعه در این عصر به شمار می‌رود، درباره درگیری شرف الدین با فئودالها می‌نویسد: «شرف الدین، در جبل عامل، زندگی جدیدی را آغاز کرد. درباره امور دینی و شعائر اسلامی سختگیری می‌کرد؛ اما در اخلاق و رفتار، ملایم بود. در دفاع از حق، قدرت نشان می‌داد؛ اما در برابر مردم ضعیف و ناتوان، با رفق و مدارا رفتار می‌نمود. در آن روزگار در لبنان زمین‌داری ناهنجاری وجود داشت. توده‌های مردم، در برابر مالکان، اختیاری از خود نداشتند و برای زندگی، معنایی جز بردگی نمی‌دانستند. مالکان و توانگران نمی‌گذاشتند که آنان مفهوم والاتری از زندگی درک کنند. زندگی توده‌های مردم محروم، زیر پای جباران و طاغوتیان پایمال شده بود. چون شرف الدین در آنجا استقرار یافت، نتوانست آن نظام خردکننده و آن استبداد استثمارگر را قبول کند و در برابر بر باد رفتن حقوق محرومین ساکت بماند....

شرف الدین، آن نظام نحس را محکوم کرد و با آنان وارد سخت‌ترین مبارزات شد. قدرتمندان و بهره‌کشان جبار در برابر او ایستادند و همه امکانات خویش را برای شکستن او به کار گرفتند و در این راه از هیچ کوششی دریغ نکردند؛ اما سرانجام مرد حق پیروز شد و کوششهای آنان همه تباہ گشت.»<sup>۲</sup>

ب. همراهی با جنبشهای آزادی خواه

۱. شرف الدین عاملی چاروش وحدت، ص ۱۰۱-۱۰۳.  
 ۲. المراجعات، مقدمه شیخ مرتضی آل یاسین، ص ۶-۷؛ ترجمه این قسمت از مقدمه آل یاسین در کتاب «شرف الدین»، ص ۱۹۳-۱۹۵.

حضرت آیه الله علامه شرف الدین، جنبشهایی را که در جهان اسلام و عرب به وقوع می پیوست، پیگیری می نمود و موضعی مناسب در مقابل هر کدام اتخاذ می کرد. رهبران این جنبشها را نیز به خوبی می شناخت و با روشنفکران و مطلقان درباره مسائل سیاسی در این جنبشها و نهضتها به بحث و گفتگو می پرداخت. از جمله این جنبشها، ملی شدن کانال سوئز در مصر و ملی شدن صنعت نفت در ایران بود.

شرف الدین هر دو جنبش را به دلیل آنکه به نفع مسلمانان و به ضرر استعمارگران بود، تأیید کرد و به طرفداری از آنها برخاست. جنبش عربی مصر و ملی شدن کانال سوئز که در سال ۱۹۵۶ م. اتفاق افتاد و از حرکتهای امیدآفرین در جهان اسلام بود، مورد قبول و دفاع همه آزادی خواهان و بیدار دلان با وجدان، از جمله علامه شرف الدین بود. ملی شدن صنعت نفت در ایران نیز که در سال ۱۳۲۹ ه. ش اتفاق افتاد، به دلیل اطلاع شرف الدین از ماهیت آن و اهداف و رهبران آن، از جمله آیت الله سید ابو القاسم کاشانی و آرمانهای او، مورد تأیید و پشتیبانی وی قرار گرفت.<sup>۱</sup>

### خدمات علمی و تألیفات

با وجود اشتغالات بسیار اجتماعی و سیاسی که بیش تر وقت شرف الدین را اشغال کرده بود، ایشان از نوشتن کتب ارزنده و روشنگر غفلت نمی کرد. او کتب زیر را از خود به یادگار گذاشت که همه حاوی بهترین و کامل ترین

۱. شرف الدین، ص ۲۳۰-۲۳۳.

مطالب در زمینه‌های مختلف دینی و علمی است:

المراجعات؛ الفصول المهمة فی تألیف الأمة؛ الکلمة الغراء فی تفضیل الزهراء (علیها السلام)؛ فلسفة الميثاق والولاية؛ اجوبة موسى جارا؛ مسائل فقهية؛ ابو هريرة (در زمینه معرفی صحیح بازرگان حدیث، ابو هریره و نشان دادن مقدار اعتبار احادیثی که از او نوشته شده است، می‌باشد.)؛ المجالس المفخرة؛ کتاب کلمة حول الرؤية؛ النص والاجتهاد؛ ثبت الاثبات فی سلسلة الرواة؛ الی المجمع العلمی العربی؛ بغية الراغبین؛ مؤلفوا الشيعة فی صدر الاسلام؛ زينب الكبرى.

#### عروج به سوی معبود

صبح روز شنبه ۸ جمادی الثانی سال ۱۳۷۷ ه. ق، آن شعله فروزان و آن چشم همیشه بیدار، پس از ۸۷ سال درخشش خیره کننده، خاموش گشت و قلبی که مظهر شجاعت، کرامت، حکمت و عطف بود و همیشه برای عدالت می‌تپید، در سینه خاک آرام گرفت.

جسد مطهر او در بیروت تشییع رسمی شد و پس از آن به بغداد حمل گردید و در بغداد و کاظمین (محل ولادتش) تشییع شد. سپس در کربلای معلی با اشک و آه و سوز و ناله شیعیان داغدار تشییع و قبل از غروب آفتاب، جنازه به نجف اشرف رسید. در آنجا نیز تشییع بی سابقه‌ای صورت گرفت و در حجره مجاور آرامگاه آیت الله سید محمد کاظم یزدی در سمت جنوبی صحن مطهر علوی به خاک سپرده شد.